

# ستاره سرخ

پندولندساریا کبرترسین جینه در تاریخ بشریت است و از لحاظ ایدئولوژیک، سیاسی و قدرت نیرومندترین طبقه انقلابی می باشد. این طبقه می تواند بیاید اکثریت مطلق مردم را بدور خود متحد سازد تا اینکه منتی ناچیز دشمنان را متحد اشرف سرد نموده و مورد ضربت قرار دهد. مائوتسه دون

اردیبهشت ۱۳۵۳ برابر با مه ۱۹۷۴

این وضع ملاحظه درونی متنازع وضع جهانی است که سرعت بسود انقلاب و پرولتاریا در حرکت است. اردوگاه امپریالیستی سرگرد کی امپریالیسم آمریکا و سوسیال-امپریالیسم شوروی با مشکلات عظیمی روبروست و روزی روز اقتدرت بالفعل آن کاسته میشود. روند بسود کی و زوال امپریالیسم آمریکا از آمدن آنها قبل شروع گشته، تکامل می یابد و سوسیال-امپریالیسم شوروی نیز اگرچه در اوضاع کنونی عمولانه و حریصانه به پنجه افکنی و کسترش نفوذ خود مشغول است ولی بطور اجتناب ناپذیر بر یازود همان عواقب را انتظارش است. علاوه بر تضعیف قدرت عینی امپریالیسم سوسیال-امپریالیسم در نتیجه ضربات کوبنده مبارزات انقلابی خلفها و پرولتاریای جهان و حرانهای درونی، رقابت بین این دو ابرقدرت نیز یروسه زوال آنها را تسریع نماید. یکی از مباحث مهم مورد دعوی این آنان خاورمیانه است که در آن ایران اهمیت ویژه ای بخود می گیرد. و بد منافع عظیم نفتی و سایر منابع ثروت های زیرزمینی و همچنین موقعیت جغرافیایی و استراتژیک، ایران را مورد توجه خاص راهزنان بین المللی قرار داده است.



تمام طبقات پیشین، پس از رسیدن بسیادت، مس کوشیدند آن وضع و موقعیاتی را که جنگ آورده اند تحکیم کنند و تمام جامعه را بشراطی که طرز نعل آنها را تأمین کند، تابع سازند. اما پرولتاریا تنها زمانی می تواند نیروی های مولده جامعه را بدست آورد که بتواند شیوه کنونی تملک خود و در عین حال همه شیوه های مالکیتی را که تاکنون وجود داشته است از میان ببرد. پرولتاریا از خود چیزی ندارد که حفظ کند، آنها باید آنچه را که تاکنون مالکیت خصوصی را حفاظت می نمود و آثار مومن و موصون می ساختن نابود گردانند. کلیه جنبش هایی که تاکنون وجود داشته باجنبش اقلیت ها بوده و یواخود بسود اقلیتها انجام میگرفته است. جنبش پرولتاریا جنبش "خود آگاه" مستقل اکثریتی عظیم است که بسود اکثریت عظیم انجام می پذیرد. پرولتاریا یعنی تحتانی ترین قشر جامعه کنونی، نمی تواند برخیزد و نمی تواند در برابر فراری آنکه رومای شامل آن قشرهایی که جامعه رسمی را تشکیل می دهند، منفجر گردد. "مانیفست حزب کمونیست"

اول ماه مه، روز همبستگی پرولتاریای جهان برای کمونیست ها ارج و منزلت ویژه ای دارد از دیدگاه آنان این روز درجه اول روحیهی رزنده و مبارزه جویانه پرولتاریا را در خود متبلور میگرداند. در این روز مابه طبقه ای در رو می فرستیم که آینده تابناک و مجاهدات او در راه تحقق بخشیدن به آن، بشریت را " برای همیشه از قید استثمار و ستم" رهایی خواهد بخشید.

## زنده باد اول ماه مه

و قاطع ترین، بیگیرانه ترین و عمیق ترین پیکار طبقه ای و آغاز و تاپیروزی نهایی به پیش روند. اول ماه مه جشن باشکوه چنین طبقه ایست. کمونیست ها در این روز مبارز پایه گزاران پیشه انقلابی و ملی پرولتاریا که اینک در گورستان های گیت آرامیست و هم اکنون بر هزار او " هزاران لاله سرخ سرخ" است، از زمین و استالین کبیر، از رفیق مائوتسه دون، رهبرانی که بارشده ثوری مارکس و انگلس بشریت را از ظلمت نجات بخشیده و قسمتی از آنها را تا ناها راه سوسیالیسم هدایت نمودند، تجلیل مینمایند و بد پرولتاریای ظفرمند چین، آلبانی، ویتنام، کره و دیگر پرولتاریای جهان درود میفرستند.

مارکسیست-لنینیست های ایرانی چگونه به استقبال روز اول ماه مه میروند؟  
- از طریق تعمق و آموزش از تجربیات درخشان پرولتاریای ایران و جهان.  
- از طریق درک اهمیت و نقش کنونی مبارزات کارگران در میهن خود.  
- از طریق برخورد مسئول و فعال به وظایفشان در قبال این مبارزات.  
- همچنین از طریق آموزش عمیق تمارکسیسم لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون و سعی در تلفیق آن بر شرایط میهن شان.  
" ستاره سرخ " از دو سال پیش تا بحال، تقریباً در کلیه شماره های خود از مبارزات کارگران در ایران سخن گفته است.

اخباری که بدست ما میروند طبیعتاً تنها شامل قسمتی از مبارزات کارگری می گردند، معذالک این اخبار حاکی از آنند که بیش از چندین صد هزار کارگر در کشور ما در این مدت دست به اعتصاب و اعتراض زدند و روزی روز شدت وحدت و کسترش مبارزات آنها افزوده می گردد. خصوصیات برجسته این مبارزات که هستند؟ یکی از خصوصیات برجسته مبارزات اخیر کارگران در ایران تعداد

اجرای سیاست درهای باز" از جانب رژیم شاه در قبال او بر قدرت و کلیه امپریالیست ها سرمایه گزاریهای خرد و کلان امپریالیستی بویژه در این اواخر، احداث کارخانجات صنعتی وابسته و ممتاز لاجرم رشد کمی بیشتر پرولتاریای صنعتی را همراه داشته است. ولی این رشد در شرایط ویژه نیمه مستعمره - نیمه فئودال حاکم در جامعه ایران بوقوع می پیوندد و ناموزونیهای موجود را ناموزون تر و تضاد های درونی و بیرونی رژیم را با زهم حادث تر مینماید. تضاد های که تنها از طریق استقرار حکومت دیکتاتوری سوسیالیستی تحت رهبری پرولتاریا قابل حل میباشد. شکست " اصلاحات " شاهانه در دهه اخیر با بی حقیقت تاریخی را بار دیگر ثابت کرده است. این اصلاحات از دیدگاه تنگ رژیم امپریالیست ها می خواستند به جوابگوی بحران های اقتصادی و سیاسی رژیم وسیله ای برای جلوگیری از مبارزات توده ها و تظلیل حدت تضاد ها در جامعه ما باشند، اما خیلی زود تر از زمانیکه انتظارش را داشتند بعکس خود تبدیل گشت و حقایق جامعه ایران را با زهم در دنگ ترمیزان شدند. بیگاری در دهات و شهرها و هجوم روستائینان به شهرها و مناطق شیخ نشین خلیج فارس، سطح نازل دست مزد ها، بی مسکنی، بی بهداشتی، بی فرهنگی، تسرقی سرسام آفرینیت هاناچندین برابر نسبت به سطح دستمزد زحمتکشان و حقوق ماهیانه اکثریت مردم، و بالاخر فشار و اختناق فاشیستی حاکم واقعیتی اند که در میهن ما مابعد خصوص کارگران روزانه با آن دست و پنجه نرم میکنند. دستورات " ملوکانه " برای بهبود بخشیدن وضع کارگران نیز که بش بر ملا شده و در عمل کارگران دریافتند که " تقسیم سود کارخانجات " و " فروش سهام کارخانجات " شرکت های تعاونی و بویه های کارگری اساساً برای استثمار با زهم بیشتر آنها نقشه ریزی شده است و بنا بر این در جامعه ای که اکثریت توده ها در شرایط فقر سیاه بسر می برند و اقلیتی در آن کلیه نعمات موجود را نصیب کرده است، در جامعه ای که امپریالیست ها و مومنتی کمپرادور و بورژواکرات و فئودال تمام ثروت آنرا چپاول می کنند و برای دفاع از منافع خویش از آن زندانی بزرگ برای زحمتکشان و ملیت های ساکن ساخته اند، به صدای اعتراض خلق ما میباشند بازندان و شکجه و اعدام پاسخ می دهند، در چنین جامعه ای تنها راه حل تضاد های بفرنج و در هم پیچیده، انقلاب موجود است.

پرولتاریای جهان، خلقها و ملل ستم دیده متحد شوید!



بعید اطلاعیه کفرانس

عمومی را در راس نیروهای منطقه عربی قرار داد و منابع مالی هنگفتی را در راه خرید رژیم های فرومایه بخارانند و همچنین ارتجاع ایران را برای آنکه سنگ نگهبان وی در خلیج عربی باشد مسلح ساخته و از موجودیت صهیونیستی به نفع پایگاه اساسی اش برای نفوذ در منطقه حمایت کرده برای تثبیت آن و تحمیل شناسائی آن تلاش میورزد .

از سوی دیگر امپریالیسم شوروی برای محکم کردن جای پای خود در منطقه و ایجاد پایگاه های جدیدی در عراق و کشورهای خلیج و دریای مدیترانه کوشش میکند . کفرانس به مبارزه مسلحانه ی خلق خلیج عربی تحت رهبری جبهه ی خلق برای آزادی عمان و خلیج درود گفته و از گلیه ی نیروهای ملی و انقلابی در منطقه عربی و جهان درخواست می کند تا از این مبارزه حمایت کنند . کفرانس همچنین همبستگی خود را با خلق و دولت یمن و مکرانیک بر ضد توطئه ها و تهدیدات امپریالیستی و ارتجاعی که متوجه وی می باشد ابراز می کرد .

کفرانس همبستگی خود را با گلیه ی سازمانها و سازمانها مارکسیستی - لنینیستی در منطقه عربی اعلام می کند .

اوضاع جهانی

کفرانس اوضاع جهانی را مورد بررسی قرار داد و مخاطب نشان ساخت که اوضاع عمومی جهان بار شد و تغییر سریع عوارض ، شکست پیمانهای قدیمی و ظهور صرف بندی های جدید نیروهای سیاسی در سطح جهان ما توطئه گیری و رقابت و وابندت برای تقسیم مناطق تحت نفوذ در جهان ، افزایش همبستگی دولت های جهان سوم برای دفاع از استقلال و منابع ملی ، تعمیق بحران سرمایه داری - جهان و افول امپریالیسم آمریکا و کاهش امکانات جهانی اش بدینال شکست تجاوزاتش به خلقهای هندوچین و بر اثر تعمیق بحران داخلی خود مشخص می گردد .

از سوی دیگر نیرو های ملی و مکرانیک و سوسیالیستی در سراسر جهان پیروزی های درخشانی بدست آورده اند خلق ویتنام و خلق کامبوج و لاتوس به پیروزی های عظیمی علیه نیروهای متجاوز آمریکا و فرانسه و فرانسه نائل آمده اند کفرانس ، همبستگی انترناسیونالیستی اش را با مبارزات قهرمانانه ی این خلقها که با خطر آزادی ملی صورت می گیرد اعلام می کرد .

جمهوری توده ای چین انحصار سلطه ای افسوسناک و موشک و وابندت را در هم شکست ، محاصره ی دنیای امپریالیستی را خرد کرد و دومین کنگره ی حزب کمونیست چین پیروزی های درخشانی در مبارزه با خطر پیروزی انقلاب سوسیالیستی و بر ضد روئینیسیم معاصر کسب نمود . جمهوری توده ای آلبانی قهرمان ، پیروزی های دلبیسی در ساختمان سوسیالیسم و تثبیت قدرت خلق و توسعه ی فرهنگ پرولتری بر رهبری حزب کارآلبانی بدست آورد . کفرانس به دو حزب بویه و خلق برادر - جمهوری توده ای چین و جمهوری توده ای آلبانی درود فرستاد و آرزوی صلح د فانه اش را برای تحقق پیروزی های جدید در ساختمان سوسیالیسم و مبارزه بر ضد امپریالیسم ، ارتجاع و روئینیسیم ابراز می کرد .

جهان شاهد اوج گیری نیروهای انقلاب و آزاد بخش مکرانیک و ویرانگری و انحطاط نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی و روئینیسیتی است که در عمل هر روز و هر ساعت بیشتر میشود .

کفرانس کورد نای فاشیستی مزورانه را در شیطانی که امپریالیسم آمریکای طرح ریزی کرده محکوم نمود و همگونی عطاوت در دشمنانهای را که خلق شیلسی و نیروهای انقلابی ملی با آن روبرو هستند ابراز داشته ، همبستگی خود را با مبارزه مسلحانه اینه خلق شیلی و نیروهای انقلابی ملی آن برای سرنگونی رژیم مزور فاشیستی بدان دست زده اند اعلام می کرد .

کفرانس با شادمانی درمی یابد که احزاب سازمانها مارکسیستی - لنینیستی جهان رشد کرده و جنبش انقلابی در آسیا ، آفریقا و آمریکا لاین و تمام جهان به پیش رفته است .

اوضاع داخلی

تفرانس دوران بحران حزب را که از زمان شکست ۱۹۶۹ برانجه دوم در دشمنانه فاشیسم آغاز شد و منجر به شهادت ده ها تن افریقا و مبارزات تصد ها تن ازرزندگان کرد و مورد بررسی قرار داده و با افتخار خاطر نشان می سازد که حزب ما این شکست را با سر بلند شیست سرگداشته است و اشون نیرومند تر و باطمینان بیشتر به پیروزی پیش میرود .

کفرانس ضرورت مبارزه ی حزب را بر ضد روئینیسیم معاصر و شتابه خطر عمده در جنبش کمونیستی بین المللی بدون آنکه از مبارزه بر ضد گروه های "چپ" کور کانه و انارشیزم غافل نبود تأیید می کند و همچنین بر ضرورت آن که بدین خاطر مدتی حزب بر ضد این دو گرایش مکتول پیکر کند مسلح گردد ، تأکید می کند . کفرانس همچنین بر ضرورت مبارزه بانادانی در مارکسیسم - لنینیسیم اجرا و روی سیاسی و کار جد از توده ها و پیروگرام و لیبرالیسم در تشکیلات تأیید می نماید . کفرانس همین مبارزه ی وظیفه عمده در دوره کنونی تجدید ساختمان حزب در ارتقا مستحکم با توده های خلق و توجه به بالا بردن سطح فزونی سیاسی حزب و تقویت مرتزقت در مکرانیک و رهبری دسته جمعی می باشد .

کفرانس تعدادی از اسناد حزب را مورد بحث قرار داد آنها را به تصویب رسانید و رهبری مرکزی را مامور جاب آنها نمود . این اسناد از جمله عبارتند از : برنامه حزب و اساسنامه داخلی ، بررسی اولیه تاریخ حزب ، اسناد پیرامون وضع حزب در برابر روئینیسیم معاصر اسناد پیرامون استراتژی جنگ مسلحانه توده های اسناد پیرامون مساله کورد عراق . کفرانس تأیید می کند منطقه نظراسی در روند تاریخ حزب همانا پیوند فشرده با توده های خلق ، آموختن از آنها ، رهبری مبارزه آنها با خطر نافع روزانه و سیاسی و پیوند بین گلیه اشال مبارزه است . کفرانس در سخنان کار خود رهبری مرکزی حزب را انتخاب کرد .

حزب کمونیست عراق ( رهبری مرکزی )  
اواسط ژانویه ۱۹۷۴

## ستاره سرخ و خوانندگان

« ماهی باضی » گروهی از میهن پرستان ایران با نذر نیک برای بعضی سازمانهای خارج شوراسال کرده ، به « ستاره سرخ » رسیده است . این نامه به اشاده ایورنوسیم و در نیمه تاریخی حزب توده میرداخته و از جمله می نویسد :  
" حزب توده ایران که بر بنیاد آید تلوژی خود به روز رفته و تشکیلی کردید و بعد برای فریب طیفه دار کوسا بر نبر سران میهن مانقاب آید تلوژی مارکسیسم - لنینسیم را بر چه سره بود زدیپوسته فاقه پیش انقلابی بود است . این حزب بواسطه آید تلوژی حامد بر آن ماهی تانسیوانست از نظر تشکیلاتی حزب سالم و یولادین باشد و بخاطر پیش و آید تلوژی خود ازین دستاویس درهای خویش را بر روی هر کسی و ناگس باز نگاه داشت " .

" چگونه میتوان تصور نمود که حزب توده حزبی که مانند احزاب بین المللی در نوم به اصلاح " ابزار صلح " بودند " ابزار جنگ " گاه یکبار بر تر اند از بونه آزما یی رو سفید بیرون آید ؟ حزبی که نه قادر بود ب منظور تصرف قدرت سطحی حمله را آغاز نماید و نه در این راه را دست کند به تمام حمله دشمن بطور منظم عقب نشینی نماید چگونه میتواند در برابر حمله دشمن مقاومت نماید ؟ تنها سیم مخالفی نافی بود که چنین حزبی را زیر بوشند ، ده دیدم کرد . . . نود نای ۲۸ مرد از حزب توده را زیر بوشند و بنا چشم نشودیم . . . جز معدودی انقلابی را بشین و در مسال استوار در رخت پی کار کشی را ندیدیم " و در مسال رهبران خائن حزب توده ادامه میدهند " آن فرصت طلبان بی سرد اوسد خویش گرفتند که کوهی آب از آب تلان نخورده بود و آنها که ماندند و شمشه وزند و اعدا ام تود تان جان را به جان خریدند و از نشرف و حیثیت انقلابی خود دفاع کردند در مکتب خلق پرورش یافته بودند نه در مکتب حزب توده . ادامه دهند راه حیدر عواظلی ها و ارانیها بودند نه پیوندی راه رهبران نالایق خود فروش و خائن حزب توده " .

سین نامه با اشاره به جنایات شهرداری مأمور تشیف سازمان امنیت با شرح و تفصیل برد از زوی روابط حزب توده با او بر میدارد و در سخنان در اهمیت شناخت عمیق تر از ماهیت روئینیسیتی حزب توده و هوشداریه مبارزین می نویسد :  
" یکی از کمبود های اساسی جنبش ما و انقلابیون پیشاهنگ میهن ما ، عدم شناخت عمیق و همه جانبه از گذشته حزب توده ایران به نفع حزبی رفرمیستی و اپسور تونیستی ، شامل آن بصورت امروزی اش که حزبی روئینیسیتی و ضد انقلابی است ، میباشد . چنانکه در گلیه زمینه های آید تلوژیکی سیاسی ، در گلیه ی امورشکیلاتی و سبک کار ، حزب توده فاش و بر ملا کرد و تبلیغی و سیاست عالی خائشانه ضد انقلابی اش در تمامی موارد - چه داخلی و چه خارجی - مبارزه آید تلوژیکی سیاسی بی

فوق العاده آنتشین روشنفرگانی که نمیتوانند یا امکان ندارند فعالیت انقلابی را با نهضت کارگری در یک واحد کسب بهم بیوندند " ( لنین - چه باید کرد ) .  
بر خلاف نظر این رفا ، تجربیات انقلاب بهای ظرفند تحت رهبری پرولتاریان نشان میدهند که همیشه مبارزه مسلحانه بدینال یک دوره مبارزه سیاسی منظم و پیگیر کارگران و دهقانان و از درون قیامهای کارگری در دهقانی آغاز شده است . در اهمیت کار سیاسی باید مکتب شد که حتی بعد از آغاز جنگ توده ای با تشنه عملیات نطفی نبود و نهیست که باعث ارتقاء آگاهی سیاسی توده های که در اینزمان به انقلاب می پیوندند می شود بلکه وجود حزب کمونیست است که با رهبری انقلاب به تربیت سیاسی توده ها و ارتقاء آگاهی سیاسی آنها می پردازد .

بنابراین تصویری بس نادرست است اگر بپنداریم که میتوان مبارزه مسلحانه را در زمانیکه توده ها آمادگی شرکت در آنرا ندارند و از آن پشتیبانی نمیکند جایگزین کار سیاسی نمود و از این طریق آنها را تشویق کرده و به حرکت سیاسی وا داشت .  
بنابراین بخصوص با توجه به رشد و گسترش مبارزات توده ای در سالهای اخیر و طیفه تخطی نا پذیر کمونیستها شرکت در این مبارزات ، مسلح کردن توده های تشروری پیشرفته در مبارزه روزمره ، متشکل ساختن آنها و کساندن مبارزات سیاسی به مبارزات مسلحانه است . تنها در این

امانی صورت گیرد ، در اینصورت خطر اینکه رفا انقلابی و میهن پرست و در صوموع توده های خلقان ، اسپسر کد اب روئینیسیتی حزب توده شوند هزاران هزار بار کاهش می یابد . مادرین اینکه پیامان برای گلیه برادران و خواهران میهن پرست اینستکه از برتری هر گونه تماس با عناصر وابسته به تشکیلات حزب توده خود داری و رزید ، ناقص ایمان از نیروهای انقلابی ، ملیسی و مدزاتیک و مترقی میهنان اینست که مبارزه ی خود را علیه آید تلوژی و سیاست ضد انقلابی حزب توده وسعت داده ، خط فاصل روئینی با آن - به نفع حزبی ضد انقلابی که در ارتقاء خود خلق قرار داد روی شک در آید مستقیما و بی پرده خدمتگزار شاه ، امپریالیسم و طبقات ارتجاعی خواهد شد - ترسیم نمایند . \*

« - شهرزیر ، سروده دست مبارزیت به ناسبت شهادت کسرخ و دانشیان که برای ستاره سرخ ارسال داشته است :

قلب پرگفته ی ما ، ای برادر !  
گل سرخی است که از خون جوانان وطن رنگین است ،  
چشم چون آتش رخشندی ه مارنجبران  
نه ز سختی ، نه ز مسرگ  
که به خونخواهی آن سرخ گلان غلگین است ،  
کرچه باد انش آزادی ما  
دشمنی شاه و هغه مرتجعین  
دشمنی در بین است ،  
لیک هر کوشه بر آن توده ی ما  
که بی اخیزی و پیکار رو آتین است .  
راهمان سخت و سپر کوشه شبیه ی بر خاک  
کویان مرتجعین  
نهراسیم ز مسرگ  
عزم رزمنده ی ما ، که یولادین است .

ستاره سرخ را  
بخوانید  
و به ایران بفرستید!

---

بما همکاری کنید!

نشانی  
توده و ستاره سرخ

Mme. Paola Di Cori  
C. P. 493  
S. Silvestro  
ROMA - ITALY

پروسه است که میتوان به انجام میرترین وظیفه کونیسی مارکسیست - لنینیست یعنی ایجا د حزب کمونیست که از وحدت مارکسیست - لنینیستها میگردد فایق آید تا با رهبری و هدایت انقلاب و مکرانیک نوین ، رژیم کونیسی را واژگون ساخته و با استقرار جمهوری مکرانیک خلق تحت رهبری پرولتاریا زمینه گذاره سوسیالیسم را آماده نمود و تحت دیکتاتوری پرولتاریا در دوره سوسیالیسم ، جامعه را بسوی کمونیسم رهنمون گردند . در حقیقت انقلابی پیشرو آنکس است که به این درخواست ضروری و میرم جنبش نوین کونیستی ایران پاسخ مثبت دهد .

" راه صحیح برای ایجاد حزب پیشیست کردن به میه رزات توده ها نیست بلکه بعکس شرکت فعال گروه و سازمان های مارکسیستی - لنینیستی در این مبارزات است . این راهی است که بر اساس روح انقلابی مارکسیسم ، با بدید طبقاتی در مبارزات عملی توده ها شرکت چستن و خود و جهان را در جریان مبارزه انقلابی تغییر دادن تعیین میگرد . " ( پیروزیاد راه معاصر و شهر از طریق دهات ) .

پیش بسوی پیوند با کارگران و دهقانان  
پیش بسوی وحدت شاصولی مارکسیست - لنینیستها  
پیش بسوی ایجاد حزب کمونیست

## زنده باد همبستگی انقلابی خلقهای ایران و عرب

